

## تحقیق در الهی نامه عطار

دکتر بهروز ثروتیان\*

تحقیق در الهی نامه عطار / نگارش شادروان دکتر کلثوم  
فاطمه سید، از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و  
پاکستان، اسلام‌آباد - پاکستان، ۱۳۸۲ ه. ش / ۱۴۲۴ ه. ق /  
۲۰۰۳ م.

دو مثنوی عارفانه الهی نامه و منطق الطیر از فریدالدین عطار نیشابوری به خاطر راهبرد سالکان طریقت معرفت سروده شده است و عطار نیشابوری در سده ششم هجری این هر دو منظومه را با شگردی رمزناک (سمبولیستی) طرح ریزی کرده و به حکایات و تمثیلات آراسته است تا بتواند راهروان مکتب عرفان را به آسانی یاری و هدایت بکند تا در ریاضت کوشش معنوی خویش برای کشتن نفس اماره توفیق یافته به شناخت حقیقت و درک معنویت و کیفیت هستی نایل آیند.

بررسی هر دو مثنوی عارفانه عطار نیشابوری از دیدگاه نمادشناسی و گزارش رمزها و استعارات نهاده در حکایات و ابیات آن، نیازمند پژوهشهایی مقدماتی چون تصحیح متن و تشخیص معانی کلمات و ابیات آن است که خوشبختانه در مورد متن منطق الطیر به خاطر قرار گرفتن آن در سرفصل دروس دانشگاهی کوشش بسیار شده است اگر چه باز نیازمند تصحیحی دقیق و بررسی همه جانبه است ولیکن درباره الهی نامه مخصوصاً از نظر تصحیح متن و گزارش معانی ابیات - چندان اهمیتی نشده

\*. استاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج.

است و تصحیح و متن‌شناسی و شرح آن نیز - با همه ارزش غیر قابل انکار دو تصحیح متین از آن<sup>۱</sup> به زحمت و دقت صاحب همتی علاقه‌مند از اهل فضل نیازمند است و خوشبختانه مقدمات این کار در تحقیقی مُنیف از سوی شادروان سرکار خانم دکتر کلثوم فاطمه سید فراهم آمده و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان نیز زیر نظر جناب آقای دکتر رضا مصطفوی به چاپ و انتشار آن اقدام کرده است.

پیش از هر سخنی درباره این تحقیق در یک کلام می‌توان گفت که: صداقت و شوق و ذوق و عشق جانگاہ مؤلف این اثر قابل ذکر و تحسین است و شادروان دکتر کلثوم فاطمه سید از هیچ کوششی برای رسیدن به مطلوب و مقصود علمی خویش دریغ نورزیده است.

چنانکه در پایان پیشگفتار سه صفحه‌ای کتاب آمده است موضوع این تحقیق پایان نامه دوره دکتری زیر نظر استاد گرانقدر جناب آقای دکتر مهدی محقق بوده و زنده یاد استاد ضیاء الدین سجادی و استاد فاضل محترم جناب آقای دکتر مظاهر مصفا نیز در تألیف این تحقیق سهمی به سزا داشته‌اند که بی‌گمان حضرت استاد راهنما و مشاوران و شادروان مؤلف کتاب از فیض روح پرفتوح عطار عارف بزرگ سده ششم بی‌بهره نمی‌مانند که در کار آثار عطار گامی هر چند کوچک ولیکن گرانبار برداشته‌اند، و در همین بحث است که عطار می‌فرماید: «بشر حافی در راه کاغذی یافت کد بر آن نام الله نوشته بود. جوی زر از مال دنیا داشت بداد و مشک و عنبر خرید و آن کاغذ به عطر خوشبوی کرد و در خواب دید که خطاب به وی می‌گویند:

که ای برداشته نام من از خاک به حرمت کرده هم خوشبوی و هم پاک  
تو را مرد حقیقت جوی کردیم همت پاک و همت خوشبوی کردیم»

(الهی‌نامه، ص ۳۸۴، نسخه روحانی)

ناگفته نمی‌توان گذشت که این آب شیرین در کشتزار عطار از چشمه سار اندیشه استادم جناب دکتر مهدی محقق روان گشته است عمر و عزتش افزون باد - و به دست همت زنده یاد خانم دکتر کلثوم فاطمه سید سر سبز و میوه‌دار گشته - روانش شاد و خاکش پر نور باد.

و این پایان نامه ۳۸۸ صفحه‌ای که در شش باب تألیف یافته<sup>۲</sup> و به درستی از دو بیست و هشتاد مأخذ و منبع فراهم آمده به شرح زیر شناختنی است:

## ۱. باب اول - تأثیر آیات قرآن (ص ۲ - ۳۳)

این باب در تأثیر آیات قرآن نوشته شده است و شامل سی صفحه مطلب است و با ذکر آیات و ترجمه فارسی آنها به صراحت اشاره می‌کند و ذکر یک نمونه کافی است  
نه کس زو زاده نه او زاده از کس یک ذات است در هر دو جهان پس

(الهی نامه / ص ۲ بیت ۱۴)

«قل هو الله احد. الله الصمد. لم یلد و لم یولد. و لم یکن له کفو احد.»  
(الاخلاص ۱۱۲: ۱، ۲، ۳، ۴). «بگو (ای محمد «ص» اوست آن خدای یگانه  
الله باری خدای همه بار خدایان است. نژاد و نژادند او را، و نبود هیچکس او را  
همتا

(کشف الاسرار، ج ۱۰، ص ۶۶۰) [(صفحه ۶ کتاب)

و همین سوره و ترجمه آن را در صفحه مقابل (صفحه ۷) نیز عیناً در اشاره به بیت  
زیر آمده است:

دویی را نیست در نزدیک تو راه حقیقت ذات پاکت قل هو الله

(ص ۴: ۸)

از محاسن این باب، درستی و روشنی اشارات و صحت ضبط ابیات است که استفاده  
از ترجمه تفسیر مبینی بر ارزش آن می‌افزاید.

ولیکن از نواقص آن، پراکنده نویسی و عدم شماره گذاری ابیات است و سرانجام  
معلوم نمی‌شود به تأثیر آیات در چند بیت اشاره شده است ولیکن ترتیب صفحات و  
ابیات الهی نامه منظور نظر بوده است چنانکه بیت ۶ از صفحه ۶ پس از صفحه ۴ بیت ۱۳  
ضبط شده است و همین نیز بر ارزش کار از نظر جستجوی خواننده می‌افزاید.

ناگفته نماند که غرض از تدوین این باب ذکر همه آیات و اشارات قرآنی نبوده است  
و این خود موضوع پایان نامه جداگانه‌ای است که پژوهشگر آن باید با آیات قرآنی  
آشنایی کافی داشته باشد و یا همه آیات را از بر بداند و این چنین حادثه‌ای کمتر اتفاق  
می‌افتد مگر آن که پژوهشگر از محضر حافظان قرآن استفاده نکند. در این مورد نیز  
گفتنی است بیشتر اشارات قرآن در سرآغاز الهی نامه و پایان برخی از حکایات و  
تمثیلات دیده می‌شود.

با مطالعه همین سی صفحه از اول تحقیق معلوم می‌شود، پژوهشگر با بسیاری از  
مفاهیم قرآنی مانوس بوده و یا دست کم برای پیدا کردن آیات مربوط به ابیات الهی نامه

کوششی افزون بر حد داشته و از دیگران یاری جُسته و یا با صرف وقت زیاد به دریافت آیات و تطبیق آیات با آن آیات توفیق یافته است.

## ۲. باب دوم - احادیث و کلمات مشایخ و... (ص ۳۶-۶۲)

باب دوم کتاب شامل احادیث، کلمات مشایخ، ضرب المثلها و مضامین عربی است. این بخش در ۲۶ صفحه نوشته شده است و با توجه به عنوان آن، معلوم می‌گردد تنها اشاره‌ای دارد به وجود احادیث و سخنان بزرگان تصوف و اولیای طریقت معرفت و مضامین عربی، و گرنه باز تحقیق همین موضوعات با هم و یا به تنهایی موضوع پایان نامه مفصلی است.

در واقع این بخش و بخش نخست سند کتبی و شاهد عینی است بر این که عطار، قرآن و احادیث را پیش چشم داشته و با سخنان اولیای عالم معرفت و مشایخ طریقت‌های صوفیانه<sup>۳</sup> آشنایی داشته است.

هر آنچه به عنوان شاهد و سند در این باب نوشته شده است از صحّت ضبط و امانت‌داری مؤلف حکایت دارد و برای آن که سخن به درازا نکشد به ذکر نخستین مقوله کفایت می‌کند و باز عدم شماره‌گذاری پراکندگی شواهد متوالی و پیوسته را نقص می‌شمارد.

در صفحه ۳۶ کتاب آمده است:

صفات لایزالش کس ندانست هر آن وصفی که گویی بیش از آنست

(۶:۲)

اشاره است بدین حدیث: «لا احصى ثناء عليك انت كما ائتيت على نفسك»

(طبقات الصوفیه، ص ۵۶۸، مرصاد العباد ص ۶۲، ۵۷۸)

سعدی گوید:

توان در بلاغت به سبحان رسید نه در کنه بی چون سبحان رسید

که خاصان درین ره فرس رانده‌اند به «لا احصى» از تگ فرو مانده‌اند

متن: تک

ز عاشر گشته آدم صاحب اسرار خود اندر دید آدم کرده دیدار

(۱۳:۲)

مصراع دوم مستفاد است از مضمون این حدیث: «خلق الله آدم علی صورته»

(صحیح بخاری: ج ۴/ص ۵۶؛ مسلم: ج ۸/ص ۱۴۹؛ مسند احمد: ج ۲/

ص ۳۱۵؛ جامع الصغیر: ج ۲ / ص ۴؛ کنز العمال: ج ۱ / ص ۲۰۳؛ طبقات الشافعیه ج ۳ / ص ۱۱۹.  
 «لاتقبحو فان الله خلق آدم علی صورته» (کنز العمال: ج ۱ / ص ۲۰۳؛ طبقات الشافعیه: ج ۳ / ص ۱۱۹).... «خلق آدم علی صورته، (اوراد الاحباب: ص ۲۴۹)  
 مولوی گوید:

**خلق ما بر صورت خود کرد خلق وصف ما از وصف او گیرد سبق**

(مثنوی معنوی، چاپ اسلامیه، ص ۳۵۳)

ناگفته نماند از این که احادیثِ اعراب‌گذاری نشده (مشکول نیست) و ترجمهٔ احادیث را نیز نوشته‌اند تقصی به شمار می‌آید اگر چه بیت عطار خود ترجمهٔ حدیث را نقل می‌کند. ضمناً نشانه‌گذاریها نیز اندیشیده و روشن نیست و مطالب داخل هم نوشته شده است. چنانکه مآخذ داخل پراکنش بالا در متن چاپ شدهٔ کتاب به صورت زیر ضبط شده است: (صحیح بخاری، ج ۴، ص ۵۶، مسلم، ج ۸، ص ۱۴۹، مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۵).

### ۳. باب سوم - تحقیق در احوال اعلام کتاب (ص ۶۵-۱۲۶)

این بخش از کتاب دارای ارزش تحقیقی است و پژوهندگان الهی نامه را از مراجعه به کتب اعلام و انصاب بی‌نیاز می‌کند.

نامهای الهی نامه به صورت الفبایی نوشته شده و باز شماره‌گذاری نشده است تا بدانیم نام چند تن از انبیاء و اولیاء و یا کسان دیگر در الهی نامه آمده است.

همچنین ابیاتی که نام کسان در آنها آمده است با ذکر شمارهٔ صفحه و بیت در پاورقی نوشته شده است، بهتر بود، در ذیل همان نام می‌آمد زیرا آنچه بیشتر اهمیت دارد بیت و معنی آن است. البته همین ضبط خود از ارزش تحقیقی برخوردار است و نگارنده در تحقیق و تطبیق بسیاری از ابیات به دقت و صحت ضبط متوجه شد.

واقعیت این است که مؤلف کتاب در فراهم آوردن مطالب این بخش زحمتی بسیار کشیده و تا آنجا که ممکن بوده در گردآوری شرح حال کسان مآخذ معتبر را دیده و در تلفیق موضوع حد و اندازه را نگه داشته است به گونه‌ای که جوینده و پژوهنده را از مراجعه به منابع دیگر بی‌نیاز می‌کند و خسته کننده نیز نیست.

گفتنی است که نقل بی نقد مطالب گاهی از ارزش این کار تحقیقی می‌کاهد و مؤلف

کتاب هر آنچه را که خوانده بی هیچ اظهار نظری نقل کرده است چنانکه در صفحه ۱۳۷ و در شرح حال مهستی شاعر از نگارش رشید یاسمی چنین نقل می‌کند:  
 «سلطان سنجر او را بدان ملقب نموده و معنی آن (مهستی) یعنی (بزرگ هستی) است». در حالی که «مهست» (mahest) از دو بخش ساخته شده است: مه (بزرگ) + ست (پسوند صفت عالی) و مهست یعنی مهمترین و بزرگترین.<sup>۴</sup>  
 توجیه مرحوم یاسمی نیز مانند تعبیر مؤلف کتاب برهان قاطع (محمد حسین بن خلف تبریزی) نادرست است که می‌نویسد: «به معنی سنگین و گران باشد».  
 برای آشنایی با کار و تحقیق ارزنده زنده یاد دکتر کلثوم فاطمه سید، کافی است آخرین نام از این بخش را با ذکر مآخذ و منابع آن مطالعه بکنیم:

### یوسف همدانی<sup>۴</sup>

یوسف بن ایوب بن یوسف بن الحسن بن وهر، ابویعقوب همدانی از بوزنجر د همدان بود.<sup>۵</sup>

انتساب وی در تصوف به شیخ ابوعلی فارمدی است و علوم فقه و حدیث و تفسیر را از ابواسحاق شیرازی یاد گرفته و با شیخ ابو عبدالله جوینی و شیخ حسن سمنانی نیز صحبت داشته.

وی در سال ۵۳۵ هجری در راه مرو فوت شد و مزار وی در مرو است.<sup>۶</sup>  
 وی از محضر محی‌الدین عبدالقادر جیلانی نیز مستفید گشته و به مذهب ابوحنیفه بود.<sup>۷</sup>

۴- چنین گفته‌ست آن شمع دل افروز همه دان یوسف همدان یکی روز (۱۱۶: ۱۷)

۵- المتظم ابن جوزی: ج ۱۰ / ص ۹۴ - ۹۵.

۶- فحاح الانس: ص ۳۷۵.

۷- وفيات الاعیان: ج ۶ / ص ۷۷، نک: خزینه الاصفیاء: ج ۱ / ص ۵۲۷

\*\*\*

### ۴. باب چهارم - مآخذ داستانها (ص ۱۲۹ - ۱۹۲)

در این بخش در حدود ۷۶ حکایت از ۲۸۲ حکایت و تمثیل الهی نامه را بررسی کرده - باز بدون شماره گذاری - مآخذ آنها را ذکر کرده‌اند. این بخش نیز برای

پژوهشگران و خوانندگان الهی نامه ارزشی خاص دارد.

منابع اصلی این تحقیق عبارتند از: طبقات الصوفیه / حلیة الاولیاء / رسالۃ قشیریه / تاریخ الرسل و الملوک / تاریخ غززالسیر / کشف المحجوب / سیره ابن خفیف / قابوس نامه / سیاست نامه / احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت و نصیحة الملوک غزالی / سوانح / حدیقه الحقیقه و عشقنامه سنایی / حالات و سخنان شیخ ابوسعید / اسرار التوحید / و بیشتر از همه کتاب تذکرة الاولیای عطار نیشابوری.

مآخذ داستانها در چهل و سه صفحه نوشته شده است. (۱۶۹ - ۱۹۲).

از بررسی این بخش نیز معلوم می شود مؤلف سخت کوش کتاب عاشقانه به دنبال مآخذ می گشته و تا جایی که مقدور بوده است در این راه بذل همت کرده است - روانش شاد باد -

برای آشنایی با شیوه کار کافی است حکایت لیلی و مجنون (صفحه ۲۹۹ الهی نامه / بیت ۱۱ به بعد) از این بخش نقل شود:

#### حکایت لیلی و مجنون (۲۹۹: ۱۱)

مگر یک روز مجنون فرصتی یافت  
بر لیلی نشستن رخصتی یافت  
ز مجنون کرد لیلی خواستاری  
که ای عاشق بیاور تا چه داری  
این داستان در جوامع الحکایات عوفی (نسخه خطی، تحت شماره ۱۲۳، باب دهم از قسم چهارم، ورق ۳۷۴ چنین آمده است:

آورده اند که وقتی مجنون فرصتی یافت با لیلی نفسی دو همنشین شد و میان ایشان خلوتی حاصل شد. لیلی گفت: «بیار تا چه داری؟»

مجنون فرصتی یافت گفت: «ملا مت گران قبیلۀ تو خزینۀ عقلم به غارت بردند (متن: غاوت) و منکران عزّت تو جاه و حرمت را به دُلّ و بی حرمتی بدل کردند خود چه بود تا چه ماند که درین مجلس شریف و خلوت بی زحمت تحفه حضرت را شاید».

لیلی گفت: «این همه ساله مواضعه دعوی عشق بود و هر چه در مصادره از کسی بستانند آن را در حساب خدمتی نباید نهاد «بیار تا چه داری؟»

مجنون سوزنی به لیلی داد که «مرا در عالم جز این نیست که هر گاه خاری در جست و جوی تو در قدم شکستی بدین سوزن بیرون کردمی!»

لیلی گفت: «این که جستم اگر بادبان دعوی سودای ما که دوستی را از بیخ ناب نصبه طلب داشتی نه همانان که سوزن تو را درخور بود و در سر سودای ما داری. خواری (ظ، خاری) که در طلب ما درکیمخت قدم از بر خاک راه ما داری ندهی، تو

را در صف محققان عشق چه منزلت بود».

داستان مذکور در نسخه عکس جوامع الحکایات فاتح اسلامبول، تحت شماره ۳۵۶۷ و نسخه خطی همین کتاب، تحت شماره ۷ ب کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با اندکی دگرگونی آورده شد.

هر خواننده‌ای به زحمت و دقت نویسنده پی می‌برد و برای روح پاک وی شادی و خرسندی می‌طلبد با این همه چنان به گمان می‌آید که نقل خلاصه و بخش اصلی حکایات منظوم جهت مقایسه دو نقل ضروری می‌نموده و یا دست کم حکایت الهی نامه به نثر ساده نوشته می‌شد تا خواننده نیازمند مراجعه به الهی نامه منظوم نمی‌بود.

\*\*\*

## ۵. باب پنجم - مقایسه الهی نامه با آثار دیگر عارف (ص ۱۹۵ - ۲۲۱)

تحقیقی شیرین و خواندنی است درباره اندیشه‌ها و آثار عطار نیشابوری و شرح حال وی که خواندن آن در آغاز کار شناخت عطار برای هر صاحب ذوقی ضرورت دارد.

اصولاً می‌بایست این بخش در مقدمه کتاب قرار می‌گرفت و علت این جا به جایی هیچ معلوم نیست ولیکن سودمندی این تحقیق و بدیع بودن آن نیز قابل انکار نیست. در این بخش نخست به اظهار نظر محققان آثار عطار اشاره‌ای لازم کرده، از وزن مثنویهای دیگر و موضوع آنها سخن به میان می‌آورند و عناوین زیر را مورد بحث قرار می‌دهند:

- |  |  |
|--|--|
| الف - تجلیل از حسین بن منصور<br>حلاج.    | ی - مذمت نفس.                                    |
| ب - نقش ابلیس در شعر عطار.               | ک - شرح اصطلاحات صوفیه.                          |
| ج - انتقاد عطار از فلسفه و فلاسفه.       | ل - امثال و شواهد شعری.                          |
| د - انتقاد از اوضاع اجتماعی.             | م - اشتراک وزن الهی نامه و اسرار نامه.           |
| ه - سخنان بزرگان.                        | ن - قصه‌های الهی نامه در مثنوی مولانا محمد بلخی. |
| و - احوال بزرگان.                        | س - قصه‌پردازی و اشتراک آثار عطار در داستانها.   |
| ز - انعکاس عشق محمود و ایاز در شعر عطار. | (قصه‌های مشترک الهی نامه و تذکرة الاولیاء).      |
| ح - مسأله وحدت وجود.                     |  |
| ط - نکوهش دنیا.                          |  |



تنها نقصی که در این بخش به چشم می‌خورد عبارت است از عدم توجه کافی به اوضاع اجتماعی است که در نقل یک یک داستانهای الهی‌نامه عنایتی خاص به بیان وضع جامعه نابسامان خراسان و مفساد اجتماعی و مخصوصاً اخلاق نکوهیده پادشاهان و فرمانروایان و وزیران ایشان بوده است. همچنین با توجه به داستانهای مربوط به صوفیان و خشم و پرخاش شیخ عطار نسبت به تصوف و صوفیگری نیز خود فصلی مُشبع است که از دید نظر تیزبین پژوهشگر پنهان مانده است. و در این مورد کافی است داستان عاشق شدن صوفی به پسر وزیر مطرح بشود تا معلوم گردد صوفی شهر با آن همه مقام زهد چگونه عاشق پسر وزیر می‌شود و از گریه بینایی خویش را از دست می‌دهد و وزیر با شنیدن این خبر، پسر را پیس صوفی شهر می‌آورد و عطار می‌فرماید «خوشی بنشانند اندر پیش درویش».

و در این حکایت تقدآمیز است که عارف نیشابور می‌خواهد بگوید صوفی چه کاره است و وزیر و پسر وزیر در کدام مرحله پست اخلاقی و اجتماعی قرار گرفته‌اند! ناگفته نماند که کلمه و اصطلاح صوفی در ابیات عطار - همچون نظامی گنجه‌ای و حافظ - یک اصطلاح رمزناک است و به مقامات عالیّه اهل زهد در مذهب و سنت آن هر سه شاعر اطلاق می‌شود.

### باب ششم خود سه فصل مرتب است:

#### الف - اصطلاحات دینی و عرفانی (ص ۲۲۵ - ۲۷۲)

قرار گرفتن برخی از ترکیبات و کلمات در این فصل جای حرف دارد مانند قولنج (۲۱۶: ۸) به ضم اول و کسر لام و سکون نون و جیم، معرب کولنج است که درد شکم و درد پهلو باشد (برهان)!

#### ب - ضروب الامثال. (ص ۲۷۵ - ۲۹۸)

در این فصل برخی از ضرب المثلهای دلنشین و جالب فراهم آورده است در صورت تکمیل، بی‌گمان دارای ارزش خواهد بود. ناگفته نماند که برخی از همین ابیات نیز دارای تلمیحاتی است که ضرب المثل بر شمرده‌اند مانند عصای موسی، ید بیضا... گفتنی است که این فصل از خستگی پژوهشگر و یا عدم علاقه وی به این موضوع حکایت دارد و بسیار ناقص است.

## ج - الفاظ و ترکیبات و معانی و مفاهیم آنها (۲۹۹ - ۳۳۳)

برخی از لغات و ترکیبات را انتخاب و ضبط کرده‌اند. و بیشتر معانی از فرهنگ آندراج فراهم آمده و دانشجویان و مردم مبتدی را به کار می‌آید ولیکن کامل نیست. به نظر می‌رسد اگر چنانکه فهرستی از لغات و ترکیبات عطار را - بی ذکر و شرح معنی - نقل می‌کردند بر ارزش این تحقیق افزوده می‌شد.

بازمانده صفحات کتاب (۳۳۴ - ۳۶۶) به فهرست اسامی اشخاص و القاب و کُنیه‌ها و فهرست نام جایها (۳۶۷ - ۳۷۰) اختصاص دارد و در پایان مؤلف کتاب ۲۳۸ منبع و مأخذ مورد استفاده را به درستی نقل کرده است. روانش شاد و جایگایش بهشت جاویدان باد که بی اندازه زحمت کشیده است.

### چو کردی جدّ و جهد بی عدد تو ز نور مصطفی یابی مدد تو<sup>۵</sup>

در پایان این سخن ضمن آرزوی رستگاری برای روانشاد دکتر کلثوم فاطمه سید و طول عمر و عزّت باقی برای حضرت استاد مهدی محقق این نکته گفتنی است که اغلب پایان نامه‌های دوره دکتری که با راهنمایی و زیر نظر ایشان نوشته می‌شود قابل چاپ و انتشار است و بی‌گمان گرهی از مشکلات فرهنگ و ادب ایران زمین را باز می‌گشاید مگر این که دانشجویی غیر مستحق با استفاده از تنگی وقت و فرصت استاد از عهده عهد بر نیاید. والسلام.

### پی‌نوشتها

- ۱- ر.ک: الهی‌نامه به تصحیح فؤاد روحانی، کتابفروشی زوار، چاپ چهارم ۱۳۶۴ / صص ۲۷-۳۸؛ همچنین: الهی‌نامه به تصحیح هلموت ریتر، استانبول، مطبعه معارف، ۱۹۴۰، چاپ اقساط انتشارات توس. چاپ دوم ۱۳۶۸ ش. تهران / صص ۳۱-۴۷.
- ۲- این کتاب نایاب را دوست فاضل محترم جناب آقای جمشید کیان فر در اختیارم گذاشته مشمول رحمت فرموده‌اند، محبت ایشان مشکور است.
- ۳- از بررسی دقیق پایان‌نامه چنان بر می‌آید که پژوهشگر پایان‌نامه اصطلاح تصوف را با اصطلاح عرفان یکی می‌دانسته است در حالی که صوفی‌گری بجز معرفت و مکتب عرفان است که عرفان بر دل محوری و ذکر دل تحت شرایط خاصی زیر نظر و هدایت پیر طریقت معرفت استوار است (باب ذکر: مرصاد العباد)
- ۴- درباره ریشه اوستایی این واژه، ر.ک: برهان قاطع به اهتمام شادروان دکتر محمد معین ذیل مهست، پاورقی صفحه ۲۰۶۹، شماره ۲.
- ۵- الهی‌نامه / نسخه فؤاد روحانی، ص ۲۹ بیت ۱۴.